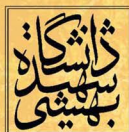


در این شماره خواهید خواند  
نه آنقدر پیروزی و نه  
آنقدر شکست  
رفراندوم و حواشی  
اخیر آن  
همه پیرسے، آری یا  
خیر؟



راه ناتمام

گاهنامه سیاسی، اجتماعی

سال هفتم، شماره سی و یکم، اردیبهشت ۱۴۰۲

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشکده

حقوق دانشگاه شهید بهشتی

مدیر مسئول و سردبیر: امیر میری

طراح جلد و صفحه آرا: زینب نظری

راه های ارتباطی

@BasijSBU

@Nashriyat\_SBU

@Basij\_law\_SBU

هیئت تحریریه

امیر حاجی آقا نیا میری (امیر میری)، صدرا رزار،

علی رضا قنبری، علی باقری، علی سلیمانی،

رقیه باقری

### فهرست

۳	به یاد پروانه‌ها
۴	همه پرسى، آرى يا خير؟
۵	استادالبشر والعقل الحادى العشر
۶	رفراندوم و حواشى اخير آن
۸	فعلا آشتى!
۹	نه آنقدر پیروزی و نه آنقدر شکست

آدرس دفتر نشریه

تهران، بزرگراه شهید چمران، خیابان یمن، میدان

شهید شهریارى، بلوار دانشجو، دانشگاه شهید

بهشتى، دانشکده حقوق

## سخن‌آغازین

## به یاد پرواندها

امیر میری / سردبیر، کارشناس حقوق

نخواهد کرد. نه مجسمه‌ای از آنها خواهند ساخت و نه کتابی درباره‌ی آنها خواهند نوشت با این وجود چون پروانگانی به سوی معشوق خود پرواز کردند و برخلاف تصور ما، نسوختند بلکه نزد پروردگارشان زنده‌اند و جاودانه شدند. یقیناً آنان زودتر از ما به این رمز جاودانگی رسیدند. اینک که آخرین شماره‌ی نشریه‌ی ارزشمند راه ناتمام در دوران تصدی بنده به عنوان مدیرمسئول و سردبیر تقدیم نگاه‌تان می‌گردد. جای آن است که پس از پروردگار باری تعالی، از جمله کسانی که در این راه، هم‌راه و هم‌پای بنده به بوده‌اند، کمال تشکر را به جای آورم. موفق بودن یا نبودنم در این دوران سخت را بر عهده‌ی مخاطبان می‌گذارم لیکن اگر بخواهم به زبان ساده بگویم: تمام تلاشم را به کار گرفتم تا بشود آنچه بهتر است. باری. رجای واثق دارم که پروردگار، سوختن‌هایم در این مدت را بپذیرد و مرا در زمره‌ی پروانگان سوخته به گرد شمع عشق خود به شمار آرد. به امید روزی که این راه ناتمام، به زودی تمام شود.

تاریخ سرشار از انسان‌های فراموش شده است. میلیاردها انسان در طول تاریخ بشری به دنیا آمدند و از دنیا رفتند. در این میان، انسان‌هایی بودند که برای رشد و تعالی بشریت و برای جامعه‌ی عمل پوشاندن به مفاهیمی چون آزادی و عدالت و... جنگیدند. انسان‌هایی که در برابر تاریکی و استبداد و قدرت‌های مادی دنیاخوار و ظالم، ایستادند و بعضاً جان خود را تقدیم این راه کردند. در طول تاریخ و تقریباً در اغلب جوامع، ردپایی از حضور این انسان‌ها مشاهده می‌شود. البته برخی از آنها نه تنها از حافظه‌ی تاریخ فراموش نشدند، بلکه همواره نام نیک شان بر تارک تاریخ می‌درخشد. اما روی سخنم در این جستار کوتاه با این انسان‌های بزرگ و نامدار نیست. اخیراً از کوجهای می‌گذشتم که مزین به نام شهیدی آسمانی بود. نام آن شهید به گوشم آشنا نبود و حتی اکنون که قلم بر کاغذ می‌رود، نام گرامی‌اش را به خاطر ندارم لیکن در آن لحظه، دیدن نامش تلنگری برای من بود. با خود گفتم: او کیست؟ چرا تا کنون نامش را ننشیده‌ام؟ یقین داشتم کسی جز خانواده و برخی از نزدیکانش، او را نمی‌شناسد. این در حالی است که او جانش را برای ما تقدیم کرده است. او انسانی است که زمانی که برابر شخص پلیدی چون صدام و حزب تحس بعث و اندیشه‌های شوم آنان ایستاد و مانع از گسترش استبداد آنان شد ولی اکنون نه در محافل و اجتماعات بزرگ نامی از او برده می‌شود و نه در کتب درسی، فصلی به وی اختصاص داده شده و نه در سینما، فیلمی برای او ساخته شده. تنها کوجهای را به یادش نام‌گذاری کرده‌اند که شاید در زمانی که کسی پشت نامه‌ها یا بسته‌های پستی، نشانی را می‌نویسد از او یادی کرده باشد. سوال دیگری که ذهنم را درگیر کرد آن بود که آیا او خود نمی‌دانست چه سرنوشتی در انتظارش است؟ آیا او نمی‌دانست اگر به جبهه برود، ممکن است دیگر راهی برای بازگشت نباشد. آیا او رویایی داشت؟ یا هدفی در زندگی یا دل در گرو عزیزی؟ یا چشم‌هایی منتظر بازگشتش نبودند؟ تمام این پرسش‌ها مرا به یاد انسان‌هایی انداخت که در طول تاریخ انسانی عمر عزیزشان را در راه روشنایی، بدون هیچ چشم‌داشتی فدا کردند. انسان‌هایی که می‌دانستند زمانی خواهد رسید که کسی از آنها یاد

## همه پرسه، آری یا خیر؟

علی سلیمانز / کارشناس علوم سیاسی

پرداختن به مسئله فراندوم، بدون هیچ مقدمه ای، ناظر بر تمرکز و بررسی دو وجه سیاسی و حقوقی می باشد. باید توجه داشت که رسیدن به یک تحلیل مناسب، بدون در نظر گرفتن هر یک از این دو وجه فقط منجر به افزایش ابهام برای دغدغهمندان و بالا رفتن مغالطات برای غرضوران خواهد شد. با رجوع به اصل پنجاه و نهم قانون اساسی، به صورت کلی در میابیم که رجوع به همه پرسه در مسائل مهم کشور همانند مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... در سازوکار نظام جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته شده است که نشان دهنده وجهی مردمی نظام جمهوری اسلامی ایران است که برآمده از انقلابی متکی بر آرا مردم میباشد؛ لکن باید توجه داشت طبق پاسخ شورای نگهبان به نامه شماره ۸۱/۵/۱۱۰ مورخ ۱۹/۱۲/۱۳۸۱ «درخواست مراجعه به آراء عمومی موضوع اصل ۵۹ قانون اساسی از مصادیق مصوبات مجلس شورای اسلامی است و باید طبق اصل ۹۴ قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال شود» سازوکار مراجعه به همه پرسه باید به تأیید شورای نگهبان برسد. این مسئله نه تنها نافذ آزادی و قانون نیست بلکه طبق اصول بنیادین نظام جمهوری اسلامی که خود را طبق مبانی الهی تعریف مینماید، ارج نهادن نظر اکثریت توأم با رعایت شریعت است. این که عدهای با ایجاد دوگانه مشروطه و مشروعه و توسل به تاریخ این نزاع در دوران مشروطه چه اهدافی را دنبال می کنند بر راقم پوشیده است؛ لکن تاریخ ننگین دوران پس از مشروطه و شهادت شیخ فضل الله نوری نشان داد که هر کشوری باید اصول عقلانی و نوین را طبق سنت خود بازآفرینی کند که این حرکت رو به جلو چیزی جز مشروطه ملی مشروعه نخواهد بود. تمرکز بر ابعاد سیاسی مسئله فراندوم پدیده ایست که باید با در نظر گرفتن حوادث تاریخ معاصر ایران بدان پرداخت. تاریخ معاصر ایران نشان می دهد حضور یک قدرت مستقل و تجدیدنظر طلب در منطقه غرب آسیا سبب شده است کشورهایی مانند آمریکا در استناد بالادستی خود، مانند سند امنیت ملی، به دنبال براندازی حکومت و استقرار حکومتی همسو در راستای تأمین منافع خود باشند. پس از عدم حصول این منظور از راه درگیری سخت حال آمریکا به دنبال دستیابی به اهداف خود از طریق جنگ نرم میباشد؛ گواهِ این مدعا اسناد

منتشر شده در ارتباط با هزینه کرد وزارت دفاع آمریکا و شبکههای گوناگون با پشتیبانی مالی مبهم میباشد. به طور مثال «بنیاد دفاع از دموکراسی» که یکی از پیشرانهای سیاست خارجی ایالات متحده است و ردپای آن در اکثر انقلابهای رنگی منطقه اوراسیا دیده میشود، سالهاست به پناهگاه گروههای برانداز مبدل شده است. حال سوال اینجاست چگونه میشود در فضای غبار آلود و پرابهام فرهنگی اجتماعی که کوتاهی نهادهای اقلناظر حاکمیت به وضوح در آن دیده میشود، و حال که مرجع تصمیمگیری اکثریت مردم تحلیلها و اخبار منتشره از بستریهای ضد منافع ملی کشور است، تصمیمگیریهای مهم حکومتی را از عقلا و اندیشمندان گرفت و بر عامه تکیه کرد؟ آیا بهتر نیست به جای جنگ انداختن بر مفاهیم محض غربی به دنبال بومیسازی آن با توجه به شرایط جامعه محلی کرد؟ آیا بهتر نیست چشم خود را بر مسائل جاری بینالمللی باز کرد تا از این رهگذر دستیابی به منافع ملی در اولویت قرار گیرد؟ در آخر ذکر این نکته ضروریست که عدهای با توسل به کلمات ارزشمندی مانند آزادی، خود مبدل به دیکتاتوری شدهاند که از شنیدن هر نظری مخالف نظر خودشان واهمه دارند؛ باید توجه داشت هر گونه تصمیمگیری بدون در نظر گرفتن یکی از دو بخش حقوقی و سیاسی منجر به افراط یا تفریط در مسئله همه پرسه و در آخر ضربه به منافع ملی خواهد شد.



# استادالبشر والعقل الحادی العشر

رفیه باقری / کارشناسه حقوق

مهم و مستدل تجربه العقاید، محکم ترین متن کلامی را به رشته ی تحریر در آورد. خواجه نصیرالدین طوسی در دوران حیات خویش به رغم حوادث مخاطره انگیز و فشار سیاسی توانست حدود ۱۹۰ کتاب و رساله ی علمی در موضوعات متفاوت به رشته ی تحریر در آورد. خواجه نصیرالدین نه تنها مرد علم، کتاب، تحقیق و تالیف بود بلکه دانشمندی متعهد و برخوردار از ویژگی های اخلاقی زیادی بود و هیچ گاه علمش بر تعهد و اخلاقی سبقت نمی گرفت. تمایلات و روحیات عرفانی خواجه در برخی از کتاب هایش چون اخلاق ناصری و شرح اشارات مشهود است و مطیع ساختن مغولان بیابانگرد، همانا نشانه های بزرگ از رفتار و کردار حکیمانه اوست. علامه حلی از شاگردان معروف خواجه نصیر میگوید: خواجه بزرگوار در علوم عقلی و نقلی تصنیفات بسیاری دارد و در علوم دین بر طریقه مذهب شیعه کتابها نوشت. او شریف ترین دانشمندی بود که من دیده ام. روز پنج اسفندماه به یاد دانشمد بزرگ ایرانی، خواجه نصیر الدین توسی روز مه نددس در گاه شماری ایران می باشد. یکی از دانشمندان مشهور آمریکایه نام "فاندیک" در تالیفات خود می نویسد: "دانشمندان نجومی اروپا برای هر یک از کوه های کره ی ماه نام هایی از فضای جهان را که خدمات شایسته ای به جهان علم کرده اند، نامگذاری کرده اند. از جمله یکی از کوه های کره ماه به نام خواجه نصیرالدین طوسی نامگذاری شده است. پژوهش های اخترشناسی در محافل علمی جهان در خصوص ارتباط اخترشناسی کبرنیکی با مکتب مراغه و آگاهی از حق تقدم خواجه نصیر و یاران او، فرصت های تازه ای برای بازنگری و انجام پژوهش های ژرف تر در آثار خواجه نصیر و دیگر اخترشناسان اسلامی فراهم کرد تا آگاهی های بیشتری از شخصیت و اهمیت مقام علمی خواجه نصیر حاصل کنند. از این رو، برای بزرگداشت نام این دانشمند بزرگ و چهره درخشان ایران و جهان و به پاس خدمات ارزنده او در دانش ستاره شناسی و ریاضیات، در نامگذاری جایگاه های شناخته شده در کره ماه، نام او را در نصف النهار چهل و یک جنوبی و مدار صفر درجه ی آن کره ثبت کرده اند.

خواجه نصیرالدین محمد بن حسن طوسی مشهور خواجه نصیرالدین طوسی در تاریخ ۱۵ جمادی الاول سال ۵۹۸ هجری قمری در طوس ولادت یافته است. خواجه نصیر حکیم، متکلم شیعه قرن هفتم هجری است. وی، نویسنده کتابها و رساله های بسیاری در علوم اخلاق، منطق، فلسفه، کلام، نجوم و ریاضیات است. این شخصیت وارسته در شهر نیشابور استان خراسان رضوی زندگی می کرد. کتابهای اخلاق ناصری، اوصاف الاشراف، اساس الاقتباس، شرح اشارات و کتاب مشهور زیج ایلخانی از آثار مهم وی هستند. خواجه نصیرالدین طوسی رصدخانه ی مراغه را در کنار کتابخانه ای با بیش از چهارصد هزار جلد کتاب بنا نهاد. خواجه نصیر بعد از حمله ی دوم مغولان به فرماندهی هلاکو و تسلیم شدن قلاع اسماعیلیان به دربار هلاکو راه پیدا کرد. خواجه نصیر تلاش کرد از میراث اسلامی که در معرض نابودی بود، محافظت کند و به سبب اقدامات او بود که در نهایت پس از مدتی، مغولان به اسلام گرویدند. خواجه نصیرالدین طوسی پس از فتح بغداد توسط هلاکو، ساخت یک رصدخانه را به هلاکو خان پیشنهاد کرد. همچنین کتابخانه ی بزرگی در محل رصدخانه ی مراغه احداث کرد. خواجه نصیرالدین طوسی در حوزه هایی از جمله ریاضیات، فلسفه، کلام و نجوم از جمله مشاهیر زمان خود بوده است. در ریاضی از نظرهای برجسته ای برخوردار بود به گونه ای که تا به امروز در حساب، هندسه، مثلثات و سایر علوم ریاضی از دانشمندان این رشته به شمار می آید. او با تالیف کتاب الشکل القطاع، نظریات جدیدی در ریاضی به وجود آورد. تالیف صد و سی و پنج اثر در موضوع ریاضی از سوی خواجه نصیر، دلیلی روشن بر این است که وی از دانشمندان برجسته ی این علم بوده است. وی در فلسفه و کلام نیز متبحر بود. خواجه در عصری زندگی می کرد که فخر رازی بر افکار و نظریات فلسفی ابوعلی سینا می تاخت و عقاید فلسفی مشاء را به شدت مخدوش می ساخت و کسی را هم یارای ایستادگی در برابر شبهات او نبود. به گونه ای که افکار ابن سینا از توجه فلاسفه دور گشته و مورد بی مهری قرار گرفته بود. در این برهه، خواجه نصیر پا به عرصه نهاد و با نوشتن کتابی در شرح اشارات ابن سینا تمامی اشکالات فخر رازی را پاسخ داد. خواجه نصیرالدین طوسی در قرن هفتم با تالیف کتاب بسیار



## رفراندوم و حواشی اخیر آن

علیرضا قنبری / کارشناس ارشد حقوق عمومی دانشگاه تهران

رفراندوم چیست؟

بسیار شبیه «پله بیسیت» است) تقسیم می‌کنند؛ یا بر اساس گستره جغرافیایی به دو نوع ملی (زمانی که همه پرسشی در تمام کشور برگزار می‌گردد) و محلی (همه پرسشی صرفاً در بخشی از سرزمین تحت حاکمیت برگزار گردد که اغلب در کشورهای فدرال از این نوع استفاده می‌شود) تقسیم می‌شود. در هر نظام مردم سالار و با هر نوع از انواع مختلف دموکراسی (مستقیم، نیمه و غیرمستقیم) حداقل یک بار برای تصویب قانون اساسی از همه پرسشی استفاده شده است.

در نظام حقوقی ایران رفراندوم پیش‌بینی شده؟ در قانون اساسی ج.ا.ا، رایج‌ترین نوع دموکراسی یعنی دموکراسی نیمه مستقیم (ترکیبی از دموکراسی مستقیم و غیرمستقیم) طبق اصل ۱۵۹ برگزیده شده است. از ظاهر این اصل مشخص است که رجوع به آراء عمومی و استفاده از ظرفیت دموکراسی مستقیم در نظام جمهوری اسلامی، مقید به مهم بودن موضوع از نظر اقتصادی، سیاسی، اجتماعی یا فرهنگی است و در

مشارکت و دخالت شهروندان در فرایند تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری، یکی از مهم‌ترین جلوه‌های اعمال حق حاکمیت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی است. فارغ از معانی و توصیفات مختلفی که برای واژه «رفراندوم» بیان شده، ابتدایی‌ترین تعریف رفراندوم یا همه‌پرسی را می‌توان رجوع به آراء عمومی دانست؛ یعنی برای تصمیم‌گیری در یک یا چند موضوع معین، می‌توان با استفاده از رفراندوم خواست اکثریت را تشخیص داد و به آن عمل کرد. همه پرسشی انواع مختلفی دارد و دسته‌بندی‌های مختلفی برای آن در نظر گرفته شده است؛ به عنوان مثال معمولاً براساس موضوع، آن را به سه دسته کلی شامل همه پرسشی اساسی (موضوع آن تصویب یا بازنگری در قانون اساسی است)، همه پرسشی تقنینی (موضوع آن تصویب یا اصلاح قانون عادی است) و همه پرسشی سیاسی (وقتی که برای اتخاذ تصمیم‌های سیاسی خاص، رئیس‌جمهور با مراجعه به آراء عمومی سعی در جلب اعتماد مردم دارد و این مفهوم

برای تدارک و انجام همه‌پرسی) و هم در همه موضوعات قابلیت رجوع به فراندوم وجود ندارد (به دلیل تخصصی بودن مسائل و یا غالب شدن خواست رسانه‌ها بر خواست مردم)؛ در نهایت نیز ایشان به این موضوع اشاره کردند که در هیچ کشوری، حتی در دولت‌های داعیه‌دار دموکراسی، همچنین اتفاقی نمی‌افتد. همان‌طور که مشخص است، سخنان رد و بدل شده نه خلاف شرع بوده و نه ناقض قانون اساسی؛ اما پس از این گفتگو، برخی از روی غرض و برخی با سوء برداشت از بیانات رهبری، با ژست دفاع از قانون اساسی مطالبی گفتند و نوشتند که ناصواب و دور از انصاف بود؛ شاید برای صیانت از میثاق ملی/دینی مردم این سرزمین، بهتر است ابتدا تدبیری اندیشید که قانون اساسی را از شر سبزه‌ها و بنفشه‌های قانون شکن مدعی پاسداری از قانون در امان داشت تا شاید امید واقعی بتواند خود را نشان دهد.

پینوشت:

اصل ۵۹ قانون اساسی: «در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آراء عمومی باید به تصویب دو سوم نمایندگان مجلس برسد.

مشخص شده، منوط به تصویب با حد نصاب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس است. در صورت تصویب این موضوع، مصوبه مجلس باید برای تأیید به شورای نگهبان ارسال گردد (نظریه تفسیری شماره ۸۱/۳۰/۴۱۰۴ مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۲۵ شورای نگهبان). پس از تأیید مصوبه توسط شورا، رأی‌گیری به صورت دو گزینه‌ای آری یا خیر (ماده ۱) در روز تعطیل و طی ۱۰ ساعت (ماده ۶) به صورت مستقیم، عمومی و با رأی مخفی (ماده ۴) برگزار خواهد شد؛ همچنین هر شخص ایرانی (دارای تابعیت) عاقل دارای حداقل ۱۶ سال سن در داخل یا خارج کشور می‌تواند در این همه‌پرسی شرکت کند. (ماده ۱۴) ناظر این فرایند نیز شورای نگهبان است که طبق قانون «نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری» عمل خواهد نمود. (ماده ۳۷ و اصل ۹۹) پس از اتمام فرایند همه‌پرسی، شورای نگهبان باید طی یک هفته نظر قطعی خود را به رئیس جمهور اعلام دارد (ماده ۲۷) و رئیس جمهور نیز موظف است طی ۵ روز نتیجه همه‌پرسی را امضا و برای اجرا در اختیار مسئولین قرار دهد. (ماده ۱ قانون مدنی) با توجه به شرح بالا، شورای نگهبان از جایگاه محافظ قانون اساسی و شریعت اسلام، مصوبه مجلس مبنی بر رجوع به آراء عمومی را بررسی و تأیید می‌نماید و در حین و پس از برگزاری، از جایگاه ناظر، فرایند انجام همه‌پرسی را تأیید می‌نماید

جنجال اخیر دقیقاً چه بود؟

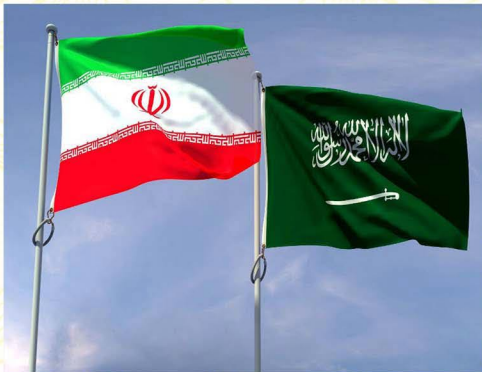
در دیدار اخیر رهبر انقلاب با دانشجویان که به رسم هر سال در ماه مبارک رمضان برگزار می‌گردد، صحبت‌هایی مطرح شد که حواشی مختلفی در پی داشت؛ از آنجایی که یکی از مسئولین سابق نظام که در تحقق وعده‌های خود ناکام بود و طبق سیره سلف خود برای انحراف اذهان از عملکرد دولت بی تدبیرش، چند مرتبه دست به دامان قانون اساسی شده بود، احدی از نمایندگان تشکل‌های دانشجویی در صحبت‌های خود (پیش از سخنرانی رهبر انقلاب) با تعریض به این موضوع و انتقاد از شیوه فرد مدنظر، اعلام کرد که شاید اگر در کشور مکرراً از فراندوم استفاده می‌شد، اکنون حساسیتی حول این مقوله وجود نداشت تا بازجعه سیاسی کاری برخی افراد شود. (نقل به مضمون با توجه به حضور نگارنده در جلسه مذکور) رهبر انقلاب نیز در زمان پاسخ به سخنان نمایندگان تشکل‌های دانشجویی، در این رابطه بیان داشتند که همه مسائل کشور قابل احاله به فراندوم نیستند چرا که هم از نظر اجرایی کشور به مشکل می‌خورد (به دلیل درگیری چند ماهه

## فعالان آشته!

صدرا رزوا/ کارشناسه ارشد علوم سیاسه



آشتهی ایران و عربستان سعودی هم به عنوان اولین گام مثبت در کاهش تنش و هم به عنوان نشانه‌ای از نفوذ فزاینده چین در منطقه خلیج فارس، جایی که ایالات متحده مدت‌ها تلاش کرده از قدرت نظامی خود استفاده کند، حائز اهمیت است. آن هم به عنوان یک تامین کننده امنیت. آنچه باید دید این است که آیا هر دو طرف این کار را دنبال خواهند کرد یا خیر. اگر چنین باشد، این توافق می‌تواند امنیت را بهبود بخشد و تنش‌ها را در یمن کاهش دهد، زیرا ایران موافقت کرده است که حملات انصارالله به عربستان سعودی و در منطقه وسیع‌تر، به ویژه در سوریه و لبنان را که جنگ‌های نیابتی بین دو کشور بیشترین تأثیر را داشته، متوقف کند. این امر به ویژه برای یمن به دلیل مداخله نظامی مستقیم عربستان سعودی و تأثیرات انسانی آن بر مردم یمن بسیار مهم است. در حالی که من با احتیاط نسبت به تأثیر مثبت توافق بر حل مناقشه در یمن خوش بین هستم، مهم است که توجه داشته باشیم که نفوذ ایران بر انصارالله به اندازه نفوذ آن بر گروه‌های شبه‌نظامی شیعه در عراق یا حزب الله لبنان نیست. باید دید آیا ایران می‌تواند بر رفتار انصارالله تأثیر بگذارد یا خیر. «محور مقاومت» به رهبری ایران در واقع توازن قدرت منطقه‌ای را به گونه‌ای تغییر داده است که به عنوان تهدیدی برای منافع اصلی قدرت‌های مستقر در منطقه از جمله اسرائیل و عربستان سعودی تلقی می‌شود. ایران این کار را آغاز نکرده است. تحولات مختلفی که سیاست منطقه را در دهه‌های اخیر شکل داده است، از جمله فروپاشی روند صلح اعراب و اسرائیل، جنگ ایالات متحده در عراق، بیداری اسلامی و متعاقب آن ظهور داعش در این زمینه موثر بوده‌اند، اما از فرصت‌ها استفاده کرد. این امواج تأثیراتی در خدمت ایجاد نفوذ بی‌سابقه در خاورمیانه داشته است. منطقه‌ای که ایران به وضوح آن را به «آسیای غربی» تغییر نام داده است.





# نه آنقدر پیروزی و نه آنقدر شکست

## تحلیله کوتاه برای دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه برخه اموال ایران

علیه باقری / کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل

جالب توجه است که بعضی از این اصلاحیه‌ها در قانون، در زمانی صورت گرفت که پرونده‌هایی علیه ایران در دادگاه در جریان بود و طبق قوانینی که قبل از اصلاحیه‌ها وجود داشت، نمی‌شد ایران را مسئول دانست، اما قانونگذار آمریکایی با اصلاح قانون و گذاشتن قابلیت عطف به‌مابقی شدن این موارد باعث شد که نتیجه پرونده تغییر کند. در این برهه بود که ایران براساس معاهده مودت ۱۹۵۵ در دیوان بین‌المللی دادگستری علیه ایالات متحده آمریکا اقامه دعوا کرد. در این دعوا به این دلیل که براساس معاهده مودت اقامه شده بود، پس فقط می‌شد به مواردی که در معاهده مودت اشاره شده بود استناد کرد. بدین صورت ایران دیگر نمی‌توانست به مصونیت دولتها استناد کند چون به این مسئله در این معاهده اشاره‌ای نشده بود. پس با توجه به همه این موارد ایران در لایحه خود به چند مورد اشاره کرد که به طور کلی این موارد می‌باشد: ۱. ناعادلانه بودن دادرسی دادگاه‌های آمریکا علیه شرکت‌های ایرانی ۲. با توجه به اینکه دیوان عالی آمریکا بانک مرکزی را شرکت قلمداد کرده بود، ایران با توجه به اساسنامه بانک مرکزی و فعالیت‌های تجاری‌ای که انجام داده بود و تصور این که طرف آمریکایی دیگر حرفش را عضو نخواهد کرد، بانک مرکزی را شرکت اعلام کرد. ولی طرف آمریکایی با چرخش از حرف خود اعلام کرد که بانک مرکزی نهادی دولتی است و شرکت نمی‌باشد ۳. نقض موارد متعددی از مواد معاهده مودت توسط آمریکا با توجه به همه این موارد و اینکه معاهده مودت دربار شرکت‌ها می‌باشد، دیوان رای خودش را به این صورت صادر کرد: ۱. بانک مرکزی شرکت نمی‌باشد و به این دلیل در حیطه معاهده مودت قرار ندارد، در نتیجه دعوی مربوط به آن در صلاحیت ICJ نمی‌باشد ۲. در مورد شرکت‌های دیگر که در صلاحیت ICJ می‌باشد، دیوان اعلام کرد که نحوه قانونگذاری و دادرسی آمریکان نسبت به این شرکت‌ها ناعادلانه و ناقض تعهدات آمریکا براساس معاهده مودت می‌باشد و آمریکا موظف است در قبال این موارد به ایران

دعوی ایران با آمریکا در قضیه برخی اموال ایران بالاخر بعد از فراز و فرودی ۷ ساله به سرانجام رسید و دیوان در ۲۰ مارس نظر خود را اعلام کرد. برای فهم این رای باید تاریخچه اتفاقات قبل از شروع این دعوا را دانست. در این پرونده چند مسئله مهم باید به عنوان پیش‌زمینه‌های شکل‌گیری این پرونده بررسی شوند.

۱. اولین زمینه یک رویه بسیار عجیب در قابلیت انتساب در عملیات‌های تروریستی علیه منافع آمریکا بود. در این رویه اگر فرد الف عملیات تروریستی‌ای علیه آمریکا انجام دهد، و فرد الف توسط فرد ب هرگونه کمکی از قبیل آموزشی یا مالی یا هر نوع کمکی دیگری گرفته باشد و فرد ب از فرد ج هرگونه کمکی گرفته باشد و فرد ج از فرد د هرگونه کمکی گرفته باشد، بدین صورت فرد د مسئول عمل تروریستی فرد الف است. این روش باعث این شده است که آمریکا بتواند به بیهانه‌های واهی کشورها را مسئول عملیات‌های علیه خود قلمداد کند.

۲. دومین زمینه، نادیده گرفتن شخصیت حقوقی جدای شرکت‌های ایرانی از کشور ایرانی است. به این صورت که در حقوق تجارت همانطور که همه ما خوانده‌ایم که شرکت‌ها دارای شخصیت حقوقی جدای از افراد تشکیل دهنده خود دارند و حتی اگر فردی سهمی بیش از پنجاه درصد در شرکتی داشته باشد، این باعث نمی‌شود تا شخصیت حقوقی مستقل این شرکت کنار گذاشته شود. ولی با این وجود قانونگذار آمریکایی با انجام اصلاحیه‌ای این امر را در مورد کشورهایی که آمریکا آن‌ها را به عنوان حامی تروریست می‌شناسد کنار گذاشت و شخصیت حقوقی مستقل شرکت‌ها را از آن‌ها سلب کرد. یعنی فرد ب را به دلیل تخلفات فرد الف می‌توان مجازات کرد.

۳. نقض مصونیت قضایی و اجرایی دولتها، دیوان عالی آمریکا در رای خود بانک مرکزی را به جای اینکه ساختاری دولتی با مصونیت‌های یک نهاد دولتی بداند، آن را شرکت دانست و قابلیت استناد به مصونیت دولتها را از آن سلب کرد.

خسارت پرداخت کند. نکته‌ای که باید در این رای توجه داشت این است که اگر از نظر منفعت مالی مستقیم به این رای نگاه کنیم، این رای برای ایران تا حد زیادی یک شکست است، به این معنی که دیوان خود را در رسیدگی به دعوی ۱،۷ میلیارد دلاری بین ایران و آمریکا صالح ندانست و در این زمینه دست ایران خالی ماند و فقط در دعوایی که حداکثر سود آن ۲۰ میلیون دلار است خود را صالح دانست و حق را به ایران داد. ولی باید دانست این عدم صلاحیت به معنایی بی حقی ایران نبود، بلکه به این معنی است که این دیوان توانایی رسیدگی به این مورد را ندارد و ایران اگر بتواند می‌تواند از طریق دیگری دعوی خود را پیگیری کند. و از طرف دیگر، در این رای انقاصی بزرگ افتاد، ICJ به عنوان بزرگترین دادگاه بین المللی، دادرسی دادگاه‌های آمریکا علیه شرکت‌های ایرانی را ناعادلانه دانست که این هزینه بزرگی برای کشوری که خود را پیشرو در علم حقوق و مخصوصاً حقوق بشر می‌داند، می‌باشد. و از این قسمت رای می‌توان علیه آمریکا در دعوی که ما با این کشور در دادگاه کشور های دیگر مانند لوگزامبورگ داریم استفاده کنیم. این رای به خودی خود برای ایران عایدی مالی آنچنانی نداشت، اما باید دانست که این رای اولین رای‌یی بود که ایران توانست در آن محکومیت اعمال ایالات متحده علیه خود را از بالاترین ارگان قضایی بین المللی بگیرد، و توانست ناعادلانه بودن اعمال آن کشور را علیه خود تا جایی که در صلاحیت آن دیوان بود به اثبات رساند. در کل باید گفت که این رای نه آنچنان پیروزی بزرگی بود که بعضی گفتند و نه آن شکست بزرگی که بعضی گفتند. باید درباره این رای گفت نه آنقدر پیروزی و نه آنقدر شکست.



گاہنامہ سیاسے اجتماعے  
سال ہفتہم، شماره سے ویکم، اڑدیبہشت

۱۴۰۲